جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۹۶ | یک‌شنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۹ | ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۱:۵۹ |
غروب آفتاب: ۱۶:۵۲ | اذان مغرب: ۱۷:۱۲ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۴ | اذان صبح فردا: ۰۵:۳۶ | طلوع آفتاب فردا: ۰۷:۰۶ |

نقد کتاب | رامین جهان‌پور

نگاهی به کتاب «خرمای تلخ»

روایت‌های صیقل نخورده

«خرمای تلخ» از پنج روایت مستندگونه، در رابطه با وقایع جنگ ایران و عراق تشکیل شده‌است. مؤلف و گردآورنده این کتاب یعنی اعظم مشهدی که متولد ۱۳۶۰ است، بعد از گفت‌وگو با رزمندگان و نزدیکان چند شهید و یادداشت‌برداری از زندگی شهدا، قصه آنها را به صورت خاطره برای مخاطب تعریف می‌کند. البته روایت‌ها از زبان اول شخص صورت گرفته و در هر پنج خاطره هم رزمندگانی هستند که در جبهه حضور داشته‌اند.

هر چند نویسنده تلاشش را کرده تا روایت‌ها را از حالت خاطره محض بیرون بیاورد و تن‌پوشی از داستان به آنها بپوشاند، اما با این حال نام این خاطرات مستند را «داستان واره» می‌توان گذاشت، اما داستان نه؛ چون در این نوشته‌ها از عناصر و تکنیک‌های داستان‌نویسی خیلی خبری نیست. مثلاً یکی از خاطره‌ها این‌گونه آغاز می‌شود: چشمانش باز مانده‌بود، حرف‌هایش در گوشم تکرار می‌شد «تو برو من خوبم. اگه ترکشی هست، سهم منه، تمام کمپوت‌های گیلاس را من خوردم نه تو! بچگی نکن رضا یک جا نمون، عراقی‌ها نشونت می‌کنن! لب‌هایش را باز و بسته کرد، اما صدایی نشنیدم...» در این روایت نویسنده از خودش خلاقیت نشان داده و جای پاراگراف اول خاطره را با پاراگراف دوم عوض کرده‌است، وگرنه ما با یک داستان خطی و کلیشه‌ای روبه‌رو می‌شدیم. گردآورنده بعد از توصیف کردن لحظه ترکش خوردن رضا تازه ماجرای آمدنش به جبهه را برای مخاطب تعریف می‌کند: «اولین باری بود که به جبهه آمده بودم. به همراه غلامرضا عوض‌پور....»

اما در روایت بعدی که «تصویری ماندگار» نام دارد با اشتباهاتی روبه‌رو هستیم که متأسفانه بی‌دقتی نویسنده را در تنظیم و ویرایش اثر نشان می‌دهد. به این جمله از این روایت توجه کنید: «دستانم را دور کمر صادق حلقه کردم. آهش به هوا بلند شد! [داشت ناله می‌کرد] با کمک عباس صادق را روی برانکارد گذاشتیم. چشمانم به نگاهش افتاد!» [نگاهم به صورتش افتاد]

در سه روایت بعدی هم کم و بیش این سکته‌های ویرایشی به چشم می‌خورد و انگار که مؤلف همان صحبتی را که از تعریف‌کنندگان خاطره شنیده در داخل کتاب وارد کرده‌است، در صورتی که لحن و روایت نویسنده باید با لحن تعریف‌کننده خاطره فرق داشته‌باشد. در واقع نویسنده به وظیفه‌اش عمل نکرده و بعضی از جملات را بی‌آنکه صیقل بدهد، وارد کتاب کرده‌است که همین مسئله باعث‌شده کمی از کیفیت روایت‌ها کاسته شود. «خرمای تلخ» که نمایانگر گوشه‌هایی از مبارزات و رشادت‌های رزمندگان دوران جنگ است در ۷۴ صفحه توسط انتشارات امینان منتشر شده‌است.

حکمت

امام صادق(ع):
به راستی که خداوند عزوجل مرد را رحم می‌نماید، به سبب شدت محبت او به فرزندش.
(ثواب الاعمال و عقاب الاعمال)

رژه سریال تاج روی اعصاب ملکه

با وجود اینکه فصل چهارم سریال پربیننده تاج هنوز به مسئله مرگ مشکوک پرنسس دایانا اشاره‌ای نکرده، ولی از حالا واکنش‌های دولتی و سلطنتی در بریتانیا در حال بروز است

■ **فرزین ماندگار**

در حالی که هفته پیش وزیر فرهنگ بریتانیا از نتفلیکس درخواست کرده بود در ابتدای سریال «تاج» توضیحی اضافه کند که نشان‌دهنده داستانی بودن این سریال باشد، این شبکه گفته است برنامه‌ای برای انجام این کار ندارد.

سریال سلطنتی «تاج» محصول نتفلیکس که به شدت محبوب شده در مرکز بحث‌هایی مربوط به اینکه وقایع به تصویر کشیده شده در آن تا چه حد حقیقت دارد، قرار گرفته است.

یک چهره نزدیک به خاندان سلطنتی با افزایش قسمت‌های فصل چهارم سریال که حضور شخصیت پرنسس دایانا در آن رو به فزونی می‌رود، اینگونه اظهارنظر کرده است: «بسیار شرورانه است که نویسنده سریال به‌طور مشخص از سرگرمی سبکسرانه برای پیش بردن یک هدف جمهوریخواهانه کاملاً واضح استفاده می‌کند!»

■ **سریالی که روی اعصاب سلطنت می‌رود**

تاج یک مجموعه تلویزیونی درام است که توسط پیتر مورگان نوشته و کارگردانی شده و داستان سلطنت ملکه الیزابت دوم انگلستان را به تصویر می‌کشد. فصل اول این مجموعه شامل ۱۰ قسمت یک ساعته است که در تاریخ چهارم نوامبر ۲۰۱۶ منتشر شد. پس از استقبال زیاد تماشاگران از این سریال و همچنین مورد ستایش قرار گرفتن آن از سوی منتقدان، فصل دوم، سوم و چهارم این مجموعه نیز سفارش داده شد و به نمایش درآمد. فصل چهارم، بازه تاریخی بین ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۰ را روایت می‌کند و در آن شاهد دوران نخست‌وزیری مارگارت تاچر و معرفی لیدی دایانا اسپنسر، همسر پرنس چارلز و مادر پرنس ویلیام و پرنس هری هستیم که پس از طلاق جنجالی و ازدواج با یک مرد مصری به‌طور مشکوکی در یک تصادف رانندگی کشته شد. البته هنوز تا اینجای سریال به این حادثه اشاره‌ای نشده است. با این حال برخی صحنه‌های سریال درباره دایانا به مذاق خانواده سلطنتی و همچنین دولت بریتانیا خوش نیامده است.

با اینکه هنوز در این سریال به‌طور محسوس به اختلافات دایانا با همسرش چالز اشاره‌ای نشده، اما به نظر می‌رسد اینجا دقیقاً همانجایی است که خاندان سلطنتی بریتانیا سکوت را جایز نمی‌دانند و جالب است که مقام ارشد دولت بریتانیا، یعنی وزیر فرهنگ نیز به ماجرا ورود کرده و خواستار این شده که به داستانی بودن سریال در ابتدای آن اشاره شود.

یکی از چهره‌های ناشناس نزدیک به پرنس چارلز به دیلی‌میل گفته است: بسیار شرورانه است که پیتر مورگان، نویسنده سریال به‌طور مشخص دارد از سرگرمی سبکسرانه برای پیش بردن یک هدف جمهوریخواهانه کاملاً واضح استفاده می‌کند

■ **واکنش نتفلیکس**

اظهارات اخیر اولیور داودن، وزیر فرهنگ بریتانیا در مصاحبه با دیلی‌میل درباره سریال تاج که گفته بود این نگرانی وجود دارد که نسلی از مخاطبان تصور کنند این رویدادها واقعی بوده‌اند، نه داستانی با واکنش نتفلیکس مواجه شده است. معنای سخنان دودن این بود که دولت بریتانیا از نتفلیکس خواسته داستانی بودن سریال «تاج» را اعلام کند تا شائبه واقعی بودن آن پیش نیاید.

نتفلیکس با این درخواست مخالفت کرده و باور دارد که مخاطبان از داستانی بودن این سریال مطلع هستند. سخنگوی نتفلیکس به روایتی گفت: ما همیشه «تاج» را به عنوان یک اثر نمایشی ارائه کرده‌ایم و مطمئن هستیم مخاطبان ما می‌دانند که با اثری داستانی مواجه هستند که بر اساس رویدادهای تاریخی ساخته شده است. به همین دلیل ما برنامه‌ای برای اضافه کردن یک لیبل هشداردهنده نداریم و نیازی هم به این کار نمی‌بینیم.

این در حالی است که دودن نامه‌ای خصوصی هم برای نتفلیکس ارسال کرده تا درباره اهمیت این موضوع تأکید کند. این نامه عمومی نشده و نتفلیکس هم به صورت خصوصی پاسخ آن را داده است. در فصل چهارم سریال «تاج» رویدادهای خاندان سلطنتی بسیار به امروز نزدیک می‌شود و پرنسس دایانا در مرکز داستان قرار می‌گیرد، اما کورین در این سریال در نقش پرنسس دایانا بازی کرده است.

الیور داودن عنوان کرده است: این یک اثر داستانی است که به زیبایی درست شده است. بنابراین درست مانند تمام محصولات تلویزیونی دیگر، نتفلیکس باید به وضوح در ابتدا اعلام کند که این سریال چیزی بیش از این نیست.

وی تأکید کرد که اگر این کار انجام نشود، نسلی از مخاطبان که این رخدادها را به چشم ندیده‌اند ممکن است سریال را با حقیقت اشتباه بگیرند. او گفته که نتفلیکس می‌تواند یک «هشدار سلامت» در ابتدای سریال قرار دهد. این سریال دارد به سلطنت بریتانیا از جمله پرنس چارلز آسیبی جدی وارد می‌کند.

■ **سرگرمی سبک‌سرانه برای هدفی جمهوریخواهانه!**

یکی از چهره‌های ناشناس نزدیک به پرنس چارلز به دیلی‌میل گفته است: بسیار شرورانه است که پیتر مورگان، نویسنده سریال به‌طور مشخص دارد از سرگرمی سبک‌سرانه برای پیش بردن یک هدف جمهوری‌خواهانه کاملاً واضح استفاده می‌کند و مردم این را نمی‌بینند.

وی اضافه کرده است: مردم با دیدن چند فصل اول جذب سریال شدند و حالا دیگر نمی‌توانند ببینند چطور دارند گول می‌خورند. این یک پروپاگاندای بسیار پیچیده است.

از جنبه‌های بحث‌برانگیز این سریال می‌توان به زمانبندی رابطه پرنس چارلز و کامیلا پارکر بولز در زمان ازدواج چارلز با پرنسس دایانا و همچنین آزارهای کلامی او نسبت به دایانا اشاره کرد.

ارل اسپنسر، برادر پرنسس دایانا نیز اخیراً هشدار داده که بینندگان نتفلیکس باید این فصل جدید را با در نظر گرفتن چند نکته تماشا کنند.

وی عنوان کرده است: امریکایی‌ها معمولاً «تاج» را به عنوان یک سریال واقعی نگاه می‌کنند و این در حالی است که در این فصل دایانا شخصیت اول آن است، ولی وی واقعی بودن رخدادهای آن را تأیید نمی‌کند. اسپنسر همچنین گفته به درخواستی از سوی تیم «تاج» برای فیلمبرداری در خانه اجدادی‌اش در نورثهمپتون‌شایر نه گفته است.

اسپنسر گفته است: «خیلی کمک می‌کرد اگر در ابتدای هر اپیزود این مسئله ذکر می‌شد که این سریال حقیقی نیست، اما بر پایه مجموعه‌ای از رخدادهای واقعی ساخته شده است، چون آن موقع همه می‌فهمیدند که موضوع فقط ساختن درام است.»

جالب است که حاشیه‌های سریال تاج با پرونده‌ای که این روزها بی‌بی‌سی در آن متهم است، همزمان شده است. اخیراً در قریب به اتفاق رسانه‌ها در بریتانیا، یکی از موضوعات اصلی داخلی باز شدن مجدد پرونده مرگ مشکوک «پرنسس دایانا»ست که بی‌بی‌سی، مهم‌ترین رسانه دولتی انحصاری در بریتانیا متهم اصلی آن است. تحقیقات آینده اتهامات این رسانه را در این باره مشخص خواهد کرد. در ماجرایی که یک طرف آن خانواده سلطنتی است، طرف دیگر آن مردم و ضلع آخر آن مهم‌ترین رسانه بریتانیایی‌ها، می‌تواند به صورت اساسی نقش حرفه‌ای بی‌بی‌سی در جامعه بریتانیا و جهان را با چالش مواجه کند.

نما | حسین کشتکار

سینما

اگر سینما صنعتی شده بود آسیب کرونا کمتر می‌شد

محمد علی نجفی: تلویزیون هوای سینماگران را داشته‌باشد

رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما معتقد است از جمله مراکزی که می‌تواند در این شرایط کرونایی یار و یاور سینماگران باشد، تلویزیون است و الان که کرونا، سینما را به تعطیلی کشانده، می‌تواند به کمک سینماگران بیاید

■ **نوید پارسا**

مشکلات اقتصادی هنرمندان با بروز کرونا چند برابر شده‌است و همه مدیران دولتی - صنفی باید تلاش کنند در تعامل با یکدیگر، سطح معیشت هنرمندان را ارتقا دهند.

محمدعلی نجفی، کارگردان باسابقه کشورمان با بیان این مطلب به «جوان» گفت: به هر حال همه هنرمندان در این دوران کرونایی با سختی‌ها و مشقت‌های فراوانی مواجه هستند و ریشه مشکلات هم نبود امنیت شغلی برای هنرمندان و تعریف نشدن بیمه بیکاری برای آنهاست.

کارگردان «گزارش یک قتل» ادامه داد: شخصاً در تلاش هستم تا در هیئت‌مدیره خانه سینما بتوانیم شرایط مناسبی را برای هنرمندان سینما فراهم کنیم و در این راه با همکاری مدیریت خانه سینما کارهایی انجام شده که نیاز به امتداد دارد. نجفی خاطر نشان کرد: متأسفانه سهم معیشت اهالی هنر از بودجه‌های مملکتی ناچیز است و همان بودجه‌ها هم تا به دست هنرمندان برسد، زمان می‌برد، در صورتی که می‌شود با وضع قوانین و مقررات کاری کرد که هنرمندان از حداقل‌ها به طور دائمی برخوردار باشند.

کارگردان «عشق طاهر» تأکید کرد: اگر سینمای ایران صنعتی می‌شد و می‌توانست روی پای خودش بایستد، مشکلات اولیه اقتصادی، فعالان سینما را درگیر نمی‌کرد، ولی چون سینما را مدام متصل به دولت نگه داشته‌اند، سینما نتوانسته به بلوغی برسد که خودش بتواند مشکلاتش را حل کند. سازنده سریال «سربداران» با اشاره به نقش ارگان‌های مختلف در کمک به سینما گفت: ارگان‌هایی که ردیف بودجه فرهنگی دارند، بد نیست بخشی از بودجه‌ها را هم صرف کمک به معیشت اهالی هنر کنند که شاید ماندگاری‌اش به مراتب بیشتر از خیلی کارهای دیگر باشد.

نجفی ادامه داد: از جمله ارگان‌هایی که می‌تواند در این شرایط کرونایی یار و یاور سینماگران باشد، تلویزیون است. تلویزیون باید الان که کرونا، سینما را به تعطیلی کشانده‌است، به کمک سینماگران بیاید و هم با خرید حقوق پخش آثار سینمایی و هم جلب فعالان سینما و واسپاری کار به آنها با یک تیر دو نشان بزند؛ یعنی هم از نظر اقتصادی به سینماگران کمک کند و هم اینکه به محتواهای خود تنوعی دهد. رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما ابراز امیدواری کرد: اگر در این شرایط بغرنج اقتصادی نهادهای مختلف به کمک اهالی هنر بیایند یقیناً می‌توان بسیاری از مشکلات اقتصادی را حل کرد. یادمان نرود هنرمندان به عنوان قشری که همواره در برابر مخاطب هستند، عزت نفسی دارند که باعث می‌شود همواره جز از نیکی نگویند. امیدواریم که مدیران مملکتی حواس‌شان به عزت‌نفس هنرمندان باشد و به حل مشکلات کمک کنند.

خواننده قطعه ارکسترال «سردار دل‌ها» معرفی شد

تهیه‌کننده و ناشر شناخته شده آثار موسیقایی از تولید و انتشار یک قطعه ارکسترال به خوانندگی امیریل ارجمند همزمان با سالروز شهادت سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی خبر داد.

کامران همت‌پور، تهیه‌کننده و ناشر شناخته شده موسیقی ضمن تشریح تازه‌ترین فعالیت‌های خود به مهر گفت: مشغول برنامه‌ریزی برای تولید یک پروژه ارکسترال هستیم که قرار است همزمان با سالروز شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی پیش‌روی مخاطبان قرار گیرد.

وی افزود: هم‌اکنون در مراحل پیش‌تولید این پروژه هستیم که طی آن امیریل ارجمند به‌عنوان آهنگساز و خواننده پروژه حضور خواهد داشت. این در حالی است که تصمیم داریم گفت‌وگوهایی را با جناب علیرضا قزوه داشته باشیم که در صورت توافقات انجام گرفته بتوانیم از اشعار این شاعر شناخته کشورمان در اجرای اثر استفاده کنیم.

ادبیات

دبیر علمی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال:

هیئت داوران از آثار این دوره رضایت نداشتند!

ابراهیم حسن‌بیگی از کیفیت آثار ارسالی به بخش رمان و داستان کوتاه جایزه ادبی جلال آل احمد خبر داد.

ابراهیم حسن بیگی، نویسنده و دبیر علمی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، درباره کیفیت آثار رسیده به این رویداد ادبی به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: هیئت داوران بخش‌های رمان و داستان کوتاه از آثار ارسالی به سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد رضایت نداشتند. تلاش شد همه آثار در این دوره داوری شود. به دلیل حجم زیاد آثار رسیده به این دوره، انتخاب اثر برتر بسیار مشکل بود. وی افزود: سختی انتخاب اثر در بخش رمان و داستان کوتاه از این جهت مشکل نبود که رقابت تنگاتنگی در این بخش‌ها باشد، بلکه سختی آن به کیفیت نه‌چندان مطلوب آثار ارسالی و تعدد آنها باز می‌گردد. امیدواریم شرایط به گونه‌ای باشد که هفته آینده برگزیدگان معرفی شوند. دبیر علمی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد ادامه داد: امسال به مناسبت چهلمین سالگرد جنگ تحمیلی، بخش ویژه‌ای به بررسی آثار ۴۰ ساله دفاع مقدس اختصاص یافت. داوری آثار این بخش با مشارکت رسانه‌ها انجام شد. انتخاب اولیه و نهایی آثار با حضور بیش از ۳۰ تا ۳۵ نماینده رسانه‌های کشور صورت گرفت. در نهایت ۱۲ نویسنده برتر این حوزه مشخص شدند و به دلیل فرصت زمانی اندک برای داوری، به جای بررسی کیفیت، بهترین نویسندگان این بخش انتخاب شدند. نویسندگان برتر بر اساس هفت ملاک مدنظر مورد ارزیابی قرار گرفتند. حسن بیگی در ادامه بیان کرد: تعداد آثار ارسالی در بخش نقد، پژوهش و مستندنگاری از نظر کمیت نسبت به داستان کوتاه و رمان کمتر هستند. داوران این عرصه اشراف خوبی در این زمینه داشتند. سطح کیفی آثار این بخش در حد متوسط و بالاتر از متوسط بود.

جوابیه

جوابیه بنیاد فارابی به مطلب روزنامه «جوان»

هیچ جشنواره‌ای یک‌شبه برگزار نمی‌شود!

در پاسخ به گزارش «جوان» درباره هزینه‌های یک جشنواره تعلیق شده، بنیاد سینمایی فارابی در جوابیه‌ای به این اشاره کرده که هیچ جشنواره‌ای، یک‌شبه برگزار نمی‌شود که لغو آن بدون هزینه قلمداد شود.

بنیاد سینمایی فارابی در واکنش به مطلبی با عنوان «ردیف بودجه فارابی برای یک جشنواره تعلیق شده» جوابیه‌ای را به دفتر روزنامه ارسال کرده که به دلیل مطول بودن مطابق با قانون مطبوعات صرفاً بخش‌هایی از آن در ادامه می‌آید. در جوابیه بنیاد فارابی آمده است: مسلم است که سی‌وهشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر که زمان برگزاری آن بهار امسال بود، به دلیل شیوع ویروس کرونا لغو شده است، اما اگر کسی از کارهای ستادی کمترین اطلاعی داشته باشد، می‌داند که هیچ جشنواره‌ای یک شبه برگزار نمی‌شود که لغو آن بدون هزینه قلمداد شود. در جدول مذکور (هزینه‌ها) این جمله ذکر شده که «با عنایت به تعویق جشنواره جهانی فیلم فجر (به دلیل شیوع کرونا) فعالیت‌های دبیرخانه جشنواره در «ابتدای خرداد» خاتمه یافته است، یعنی دست‌اندرکاران این جشنواره بعد از یک‌بار تعویق یک ماهه، امید به برگزاری جشنواره در شرایط مبهم ماه‌های اول شیوع کرونا داشتند که دست‌آخر شورای سیاستگذاری جشنواره تصمیم به لغو این رویداد گرفته است.

در بخش دیگری از این جوابیه نوشته شده است: لازم است به تاریخ معرفی دبیر جدید جشنواره و انتشار فراخوان دوره سی‌وهشتم دقت شود. این جشنواره در ۱۵ نوامبر ۲۰۱۹ (۱۴ آبان ۹۸) فراخوان داده است. همچنین صاحبان آثار تا روز پنجم اسفندماه مهلت دارند فیلم خود را به دفتر جشنواره تحویل دهند، به عبارتی دیگر کار دبیرخانه جشنواره از آبان سال ۹۸ آغاز شده و دست‌اندرکاران جشنواره جهانی فیلم فجر تا زمان اعلام لغو جشنواره (هفت ماه) مشغول به کار بوده‌اند که بخشی از آن در سال گذشته پرداخت شده و پرداخت بخشی از این مطالبات در سال ۹۹ اتفاق افتاده است. آیا به تعبیر نویسنده روزنامه «جوان»، عدالت این است که این افراد (نیروی انسانی، عوامل اجرایی و ستادی و تیم اطلاع‌رسانی و تبلیغات) به خاطر چهار ماه کار در بخش‌های مختلف قبل از شیوع کرونا و سه ماه کار پس از شیوع کرونا (یک‌بار تعویق تا تاریخ لغو قطعی جشنواره در خرداد ۹۹) نباید هیچ دریافتی و دستمزدی داشته باشند؟!

در این جوابیه آمده است: اگر به جدول مذکور مراجعه شود، مشخص خواهد شد که رقم اعلام شده که حالا به دستمایه‌ای برای دعوا و طرح موضوعات ژورنالیستی بدل شده با ذکر جزئیات علاوه بر نیروی انسانی، به بخش اجرایی و خدمات فناوری، سفر و مأموریت بابت مذاکره در بازارهای فیلم و... قبل از شیوع کرونا، طراحی و چاپ و فضاسازی، امور فنی کارگاه‌های آموزشی و... اختصاص یافته است.

کتاب

«روز آزادی زن» تجدید چاپ شد

«روز آزادی زن» کتابی است درباره قیامی زنانه که رهبری از آن قیام تمجید کرده است

چاپ دوم کتاب «روز آزادی زن» نوشته سمیه ذوقی، به همت انتشارات «راه یار» منتشر و راهی بازار نشر شد.

به گزارش «جوان»، چاپ دوم کتاب «روز آزادی زن» نوشته سمیه ذوقی، توسط انتشارات «راه یار» منتشر و راهی بازار نشر شد. بنابراین گزارش، این کتاب، قیام ۱۷دی بانوان مشهدی علیه سیاست‌های ضدفرهنگی رژیم پهلوی را از زبان بازماندگان و شاهدان عینی آن واقعه روایت می‌کند و ملیحه بخشی‌نژاد، سمیه ذوقی و ندا ترکمنچه کار تحقیق و پژوهش آن را برعهده داشته‌اند. در مقدمه کتاب، چنین آمده‌است: «هر سال هفدهم دی، میدان مجسمه مشهد شاهد جشن کشف حجاب بود؛ زنان و مردان موافقِ این سیاست در این روز به منظور تجلیل از اقدام رضاخان، گرد هم می‌آمدند و دسته گل‌هایی به پای مجسمه او می‌ریختند؛ ۱۷دی ماه ۱۳۵۶ شمسی هم مثل هر سال، همه‌چیز برای تجلیل از رضاخان آماده‌بود و زمستان سرد و ساکت شهر، خیال رژیم را از هر مزاحمی آسوده کرده‌بود، غافل از آنکه بانوان با حجاب مشهدی در این روز آماده برافروختن شعله تظاهراتی بودند تا آزادی کامل مردان و زنان ایران از استبداد پهلوی فرو ننشست.»

بنابراین گزارش، مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۶ در بیاناتی درباره این راهپیمایی فرمودند «در دی‌ماه ۱۳۵۶، روز هفدهم دی‌ماه در مشهد، یک اجتماع عظیمی، تظاهراتی از زنان مسلمان با شعار «حفظ حجاب» راه افتاد؛ ما آن وقت در تبعید بودیم، خبر آن را شنیدیم که زنان مؤمن و مسلمان و شجاع، چنین حرکتی را به راه انداختند».

کتاب «روز آزادی زن» در ۱۸۵ صفحه، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۰هزار تومان روانه بازار نشر شده‌است و علاقه‌مندان برای تهیه آن، علاوه بر کتابفروشی‌ها می‌توانند به صفحات مجازی ناشر به نشانی raheyarpub یا سایت vaketab.ir مراجعه کنند.

موسیقی

نگاهی به روایت مرحوم احمدعلی راغب در کتاب «بانگ آزادی»

موسیقی را به سفارش مادر جدی گرفتم

اولین بار از همسایه‌مان سنتورش را قرض گرفتم و احساس کردم با کلنجار رفتن با آن ساز، هرچه بخواهم می‌توانم بزنم، بدون اینکه تا آن وقت آن ساز را دیده باشم.

مرحوم راغب که نسل ابتدای انقلاب با آواها و نواهای او بزرگ شده است، در برش‌هایی از کتاب «بانگ آزادی» و هفت پرده از زندگی استاد راغب روایتی از خود ارائه داده است.

احمدعلی راغب در بخشی از کتاب بانگ آزادی می‌گوید: اولین بار از همسایه‌مان سنتورش را قرض گرفتم و احساس کردم با کلنجار رفتن با آن ساز، هرچه بخواهم می‌توانم بزنم، بدون اینکه تا آن وقت آن ساز را دیده باشم. مادرم می‌گفت ذهن تو فواصل را تشخیص می‌دهد و این آهنگی که می‌زنی، نسبت به قبلی، درست یا غلط است. خودت تجزیه‌وتحلیل می‌کنی و چیزهای جدیدی می‌زنی که تا حالا جایی شنیده نشده است. با شنیدن این حرف‌ها، احساس می‌کردم قریحه ملودی‌سازی در درونم وجود دارد و از همان زمان، موسیقی را به سفارش مادر جدی گرفتم. برای همین به اهالی هر خانه‌ای که در آن زمان در انزلی، سازی داشت نزدیک می‌شدم. جز سازهای بادی، می‌توانستم با هر سازی که دستم می‌دادند کار کنم، بدون آنکه از قبل آموزش دیده باشم. البته مادرم کمی تئوری‌ها را برایم گفته بود. این آهنگساز در بخشی دیگر درباره ساخت آهنگ‌های انقلابی عنوان می‌کند: کاملاً مشهود بود که شعارهای مردم در انقلاب، پاسخی است که مردم ایران به حضرت امام(ره) می‌دهند. من اینها را لازم داشتم و مدام در کوچه و خیابان دنبالشان می‌گشتم. اغلب با جمعیت به این‌سو و آن‌سو می‌رفتم تا ببینم چه می‌گویند. واقعاً در درونم برای خودم دانشگاهی ایجاد کردم و تصمیم گرفتم این آموزش‌ها را ببینم. مثل روزنامه‌نگاران حوادث را می‌نوشتم. خیلی‌ها که نوشتنم را می‌دیدند، گمان می‌کردند روزنامه‌نگار یا خبرنگار هستم. وقتی آن نوشته‌ها را به خانه می‌بردم، می‌دیدم یک جاهایی غلط است و لغزش ادبی دارد. مردم با آن سواد، تفکر و بینش ادبی خودشان چیزی می‌ساختند. می‌دیدم حرفشان درست است، اما نحوه ادبی گفتار درست نیست. کسی باید به این نحوه گفتار سمت و سو می‌داد و اصلاحش می‌کرد.

وی درباره مصائب کار موسیقی در ابتدای انقلاب نیز روایت جالبی دارد: اطراف آقای حدادعادل (رئیس وقت رادیو) افرادی بودند که سلام من و گروهم را جواب نمی‌دادند، چون اهل موسیقی بودیم. ما را عمّال طرب می‌نامیدند و سازمان را عصای شیطان می‌دانستند. ما را با این عناوین خطاب می‌کردند. این گروه تا سال ۱۳۵۹ یعنی قبل از شروع جنگ، کماکان بودند، اما بعد یکی فرماندار شد و دیگری استاندار. به همین منوال تا قبل از شهادت آقای حدادعادل از مجموعه خارج شدند و از اطرافش رفتند.